

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده اقرار العقلاء
موضوع جزئی: معنای لغوی و اصطلاحی - ویژگی‌ها
تاریخ: ۲۰ بهمن ۱۳۹۴
مصادف با: ۲۹ ربیع الثانی ۱۴۳۷
جلسه: ۲

﴿ الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین ﴾

معنای لغوی و اصطلاحی

بعد از مطلب مختصری که درباره اهمیت قاعده اقرار و نسبت این قاعده با قاعده من ملک عرض کردیم، مختصراً به دو مطلب دیگر اشاره می‌کنم و سپس وارد بحث از مدرک و دلیل این قاعده خواهم شد:

یکی معنای اقرار در لغت و اصطلاح است، گرچه به معنای اصطلاحی اقرار در جلسه گذشته اشاره کردم، از نظر لغت اقرار به معنای، تثبیت، تحکیم، اذعان، اعتراف، و امثال اینها است، اقرار به شیء یعنی اثبات شیء، اعتراف به شیء، در کتب لغت مثل کتاب العین و در کتبی که به معنای این اصطلاح در آیات و روایات اشاره کرده است، مثل مفردات راغب، مجمع البحرین، این معنا ذکر شده است، این را به عنوان مقدمه عرض می‌کنم برای تبیین تفاوت بین چند اصطلاح.

پس اقرار در لغت به معنای قرار دادن، ثابت کردن، اعتراف کردن، اذعان، تثبیت، تحکیم می‌باشد.

در اصطلاح، اقرار به شیئی یعنی خبر دادن جازم به حقی یا حکمی علیه خبر دهنده یا خبر دادن از نفی حقی است از او البته بعد از بیان مدرک و دلیل قاعده بیشتر به ارکان آن خواهیم پرداخت.

ویژگی‌های اقرار

چند خصوصیت در اقرار لحاظ شده است:

- این که اخبار است، انشاء نیست، وقتی می‌گوییم انشاء نیست، یعنی نه عقد می‌باشد نه ایقاع، چون اگر عقد باشد یا ایقاع بالاخره انشاء است، پس اخبار یک خصوصیت مهمی در اقرار است.
- جزمیت است، یعنی خبر دادن جازم، لذا اگر به صورت ظنی، احتمالی و بر اساس گمان بخواهد خبر دهد، این اقرار محسوب نمی‌شود. پس اخبار و محتمل الصدق و الکذب است، وقتی می‌گوییم خبر است، این جزمیت در واقع «یقین بمعنی الاعم» است. این را بنده اجمالاً توضیح می‌دهم فعلاً برای اینکه می‌خواهم به تفاوت بین این اصطلاح و چند اصطلاح دیگر اشاره کنم، ما الان نمی‌خواهیم اینها را یک به یک اثبات کنیم و به ادله مثل عقلاء و آیات و روایات رجوع کنیم. اما اگر اجمالاً بخواهم پاسخ شما را عرض کنم، این اقراری که ما تعریف می‌کنیم یک معنای اصطلاحی است، نه معنای لغوی، یعنی اذعان و اعتراف، در معنای لغوی جزمیت اخذ نشده است، البته شاید به نوعی در اذعان جزمیت باشد، یا حتی در اعتراف به نوعی ممکن است جزمیت باشد، یعنی طبق آنچه که در لغت برای اقرار بیان شده ممکن است بگوییم این معانی در دل خود معنای جزمیت را می‌رسانند. چون تثبیت و تحکیم و اعتراف و اذعان بدون

اینکه انسان بصورت جازم مطلبی را بگوید معنا ندارد، کسی که بر اساس حدس و گمان یا ظن مطلبی را می‌گوید، معلوم نیست از نظر لغت اسم آن اقرار باشد، معلوم نیست عرف این را اقرار به حساب بیاورد، بگوید من احتمالاً به فلان کس بدهکار هستم، ممکن است یک اشعاری در آن باشد ولی به عنوان اقرار از نظر عرف و لغت محسوب نمی‌شود.

به هر حال یکی از ویژگیهای اقرار، اخبار است، دوم این است که در این اخبار جزمیت وجود دارد.

۳) مربوط به یک امری در گذشته است، یعنی از وجود یک امری که سابقاً تحقق پیدا کرده خبر می‌دهد. خبر از آینده نیست، خبر از یک امر محقق در گذشته است.

پس ارکان اقرار عبارتند از این که اقرار نوعی خبر دادن است و انشاء نیست، جزمی است و ظنی و احتمالی و بر اساس شک و تردید و گمان نیست و نیز مربوط به امری در گذشته است، نه مربوط به حال و نه مربوط به آینده، اینها را ما بعید نیست بتوانیم از دل همان معنای لغوی و عرفی استخراج کنیم، به هر حال تناسب بین معنای لغوی و اصطلاحی وجود دارد و چندان بی‌مناسبت نیستند، اما این قیود با این خصوصیات حداقل در لغت تصریح به آنها نشده است.

فرق اقرار با ادعا و شهادت و وعده و وعید

حال بر این اساس ما فرق اقرار را با ادعا و شهادت و وعده و وعید تبیین می‌کنیم.

وعده، اخبار به یک امری و یک حقی است به نفع دیگری که مربوط به آینده است، کسی که وعده می‌دهد، مخصوصاً اگر جزمی باشد، چون وعده می‌تواند جزمی هم نباشد، در دل وعده جزمیت نهفته نیست، ولی اگر وعده جزمی باشد، فرق آن با اقرار فقط مسئله گذشته و آینده است، کسی که وعده می‌دهد در واقع اقرار می‌کند به یک حقی در آینده به نفع کس دیگر، وعده یعنی اینکه می‌خواهید کاری برای دیگری انجام دهید.

وعید، اقرار به یک چیزی در آینده به ضرر دیگری است، دیگر پای نفع دیگری در میان نیست، البته خود وعده کننده و وعید دهنده در اینجا معلوم نیست مستقیماً منتفع یا متضرر شوند.

شهادت، اخبار به حقی است، به نفع یکی و به ضرر دیگری، پس در اخبار با اقرار مشترک است، جزمی هم می‌باشد، یعنی کسی که شهادت می‌دهد، باید جازم باشد و إلا شهادت نیست، مربوط به یک امری است در گذشته هم هست، لکن به نفع یک شخص و به ضرر شخص ثالث، خود شاهد نافع یا متضرر نیست، بلکه به نفع یک کسی علیه دیگری شهادت می‌دهد.

در مورد اقرار می‌گوییم، «اقرار العقلاء علی انفسهم جائز»، یعنی خصوصیت «ضرر علی المقر» در اقرار وجود دارد، در شهادت اینگونه نیست «ضرر علی المقر» نیست، یا به نفع کسی است یا به ضرر دیگری.

فرق ادعا با اقرار این است که در ادعا اظهار یک حقی به نفع خودش و به ضرر دیگری است، یعنی عکس اقرار می‌باشد، اخبار از حقی در گذشته، لکن به نفع خودش و به ضرر دیگری است و جزمی هم می‌باشد.

لذا اقرار با توجه به ویژگیهایی که در مورد آن گفتیم، (۱) اخبار است، (۲) جزمی است، (۳) مربوط به یک امری در گذشته است، (۴) اینکه به ضرر خودش می‌باشد، فرق آن با وعده و وعید و ادعا و با شهادت دقیقاً معلوم است، هر یک از آنها یکی از این ویژگیها را ندارد، گرچه هر چهار مورد در جنس «اخبار» مشترک هستند یعنی همه آنها اخباری هستند ولی در بعضی از فصول با هم متفاوت هستند، یا در نفع و ضرر، یا در گذشته و آینده و... پس تفاوت اقرار با چهار اصطلاح با توجه به آنچه که در لغت و اصطلاح برای اقرار گفته شده، معلوم شد.

بحث جلسه آینده

عمده بحثهایی که باید در اینجا دنبال کنیم، یکی اجمالاً راجع به مفردات قاعده است، که با توجه به این مطالبی که گفته شد تا حدودی معلوم شده که «اقرار علی انفسهم جایز» یعنی چه؟ مفردات این قاعده معلوم است، معنای اقرار معلوم است.

با بیان مفردات به تبع معنای لغوی و اصطلاحی مفاد اجمالی قاعده معلوم می‌شود هرچند تا حدودی معلوم شده است، ولی بحث اصلی در مورد مدارک و مستندات این قاعده و قلمرو قاعده است و بعضی از فروع و تطبیقاتی که به این قاعده مربوط می‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»